

## چند نکته قابل مکتب پیرامون اسناد منتشر شده توسط روابط عمومی سازمان

در نوشته داخلی خود از اقدام کمیسیون روابط عمومی سازمان در انتشار تحلیل سیاسی جهانی و ارائه تحلیل و نظر در ارتباط با گروه‌های سیاسی ایران و همچنین از انتشار بیرونی این نوشته‌ها انتقاد کردم. در اینجا سعی می‌کنم دلایل اعتراض خود را بیشتر توضیح دهم.

اصولا سیاست‌گذاری و رهبری سیاسی و اعلام مشی سیاسی سازمان‌ها و احزاب سیاسی توسط کمیته مرکزی سازمانهای سیاسی انجام شده و از طریق ارگانهای تبلیغی آنها منتشر می‌شوند. رهبری یک سازمان سیاسی که مستقیما منتخب اعضای سازمان است در قبال مشی سیاسی خود مسئولیت دارد و می‌تواند مورد بازخواست قانونی اعضای خود قرار گرفته و صد البته در این حوزه کنگره سازمانی بالاترین اختیارات را دارد. رهبران یک سازمان سیاسی نمی‌توانند هدایت سیاسی و سیاست‌گذاری را به یک جمع غیر منتخب بسپارند. رهبری سیاسی یک سازمان سیاسی برای پیشبرد اهدافش از کمیسیونها و کمیته‌های تخصصی بمنظور مشورت یا کمک اجرایی استفاده می‌کنند. از آنجمله می‌توان از کمیسیونهای روابط عمومی و دبیرخانه و کمیسیون‌های ترویج و تبلیغات و سایت و ... نام برد. اما هیچگاه این کمیسیونها راسا تعیین سیاست نمی‌کنند و تنها در صورت لزوم مواضع متخذه توسط سازمان را رله و به بیرون سازمان انتقال می‌دهند.

اینکه کمیسیون روابط عمومی سازمان ما که وظیفه اش هدایت روابط عمومی سازمان و تماس با سازمانهای دیگر است به تحلیل سیاسی جهان بنشیند و اصول و استنتاجات جدید سیاسی از خود ارائه دهد و بیانیه نظری و عملکردی خطاب به سازمانهای سیاسی ایران منتشر کند و به نقد سیاست‌های جاری این سازمانها از قبیل تحریم انتخابات بپردازد و با توسل به تحلیل جهانی خود از سوی سازمان ما اعلام موضع کند که کدام سازمان سیاسی ایرانی همراه سیاست "رژیم چنج" امریکاست یا نه نشان می‌دهد این کمیسیون پا را بیرون از عرصه وظایف و مسئولیت خود گذاره است.

پذیرش این روند غیر دموکراتیک به معنای سلب حق اعضای سازمان در انتقاد و تصحیح مواضع سیاسی سازمان است. مواضعی که از سوی روابط عمومی بنام سازمان اتخاذ و اعلام می‌شوند از یکسو مواضع منتشر شده رسمی سازمان نیستند و کمیته مرکزی و کنگره آنها را تصویب نکرده‌اند ولی از سویی کمیسیون روابط عمومی معتقد است این مسائل از راه اتاق‌های اینترنتی درون سازمان بحث شده و سیاست آن کمیسیون سیاست سازمان است. در هر حال این یک نوع دور زدن دموکراسی درون تشکیلاتی است و اعلام نظر سیاسی کسانی است که مستقیما از سوی اعضای سازمان انتخاب نشده‌اند تا هدایتگر سیاسی سازمان باشند. تنها کمیته مرکزی و کنگره هستند که نقش تعیین سیاسی و بدعت‌گذاری در سیاست و انتشار علنی تحلیل و نظر سیاسی بنام سازمان را دارند و بقیه کمیسیون‌های سازمان از کمیته مرکزی مسئولیتی می‌گیرند و آنرا انجام داده و به کمیته مرکزی گزارش می‌دهند. از اینرو ارتباط روابط عمومی راه کارگر هم در تماس با "شورا" تنها و تنها انتقال مواضع رسمی سازمان به گروه‌های دیگر است و مواضع سازمان نه در بحث‌های شفاهی و یا درک این و آن در اتاق‌های اینترنتی که در نوشته‌های کتبی با امضا کمیته مرکزی اعتبار دارد و بقیه درک و استنباط و برداشت و استنتاجات هستند و قابل استناد نیستند.

این که من به نقش کمیته مرکزی و ارگانهای منتخب در هدایت سیاسی سازمان پای می‌فشارم بدلیل آن است که در صورت خطای سیاسی افراد منتخب پاسخگوی موضع‌گیری‌های سیاسی خود هستند و عواقب آنرا در انتخابات بعدی خواهند دید و اصولا انتخاب شده‌اند تا هدایت سیاسی سازمان را داشته باشند. به هر حال امیدوارم با روشن شدن موازین تشکیلاتی این نقیصه بر طرف شود در غیر این صورت هر کمیسیون سازمان می‌تواند بسته به اقلیت و اکثریت نظری خود دست به انتشار تحلیل جهانی و منطقه‌ای بزند و آنگاه دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌ماند و سازمانی می‌شود با مواضع متناقض. البته اگر امضا این تحلیل‌ها <<اقلیت>> کمیسیون یا نام فراکسیونی نظری درون تشکیلات باشد در انتشار علنی آن مشکلی نمی‌بینم.

موضوع اساسی که می‌خواهم در اینجا به آن بپردازم مسائل مطروحه در اسناد منتشر شده توسط کمیسیون روابط عمومی است. همانگونه که در نوشته درونی نوشته ام من بشدت به برخوردی که در این نوشته‌ها به سازمان کارگران انقلابی ایران (اه کارگر) شده اعتراض دارم. حدود 8 سال پیش که این انشعاب روی داد همه ما در این سو اذعان داشتیم هیچ تفاوت سیاسی و ایدئولوژیک با آن رفقا نداریم و مشکل اخلاق و سبک کار و تاکید آنروزی ما در سازمان بر پذیرش چند صدایی بود و ما آنرا از مزایای خود می‌دانستیم و بعدها حتی این نرمش سیاسی را نشان دادیم و نام سازمان خود را به "سازمان راه کارگر" تغییر دادیم تا تنشی غیر لازم روی ندهد. آیا اکنون تغییر اساسی در مواضع جناح انشعابی سازمان یعنی سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) روی داده که در این بیانیه‌ها اینگونه به آنها می‌تازیم؟

روابط عمومی سازمان در رابطه با راه کارگر هیت اجرایی می نویسد: **"دنبال پیش برد سیستم حزبی سانترالیسم دمکراتیک شان هستند و یا اینکه در تلاشند ساخت سازمانی خود را به این جمع دیکته کنند و حق تفسیر خود در سازمانشان را به این جمع تسری دهند. تجربه تا کنونی نشان داده است که این روش از کار نه تنها برای جمع آوری نیروهای وسیع و متنوع جیب و کمونیست سودمند نیست بلکه مخرب است"**. در همین دو جمله دنیایی از ابهام نهفته است. آیا سیستم حزبی سانترالیسم دمکراتیک بد است؟ یا سیستم سانترالیسم دمکراتیک آنها بد است و یا جایی در سازمان ما اعلام رسمی کرده ایم و در مصوبات خود داریم که ما با سانترالیسم دمکراتیک مخالفیم. یا آن سازمان ادعای گسترش ساخت سازمانی خود را به جمع "شورا" اعلام کرده؟ از روی چه فاکتی حرف میزنیم؟ تنها از روی احساسات خود و بعد نتیجه می گیریم که این شیوه مفید نیست. بیانیه یک سازمان سیاسی انشاء مدرسه نیست که برای نوشتنش تنها قلم روی کاغذ بلغزد. یک سند سیاسی است و نشاندهنده بلوغ و آگاهی و سطح سیاسی و مسئولیت پذیری یک گروه سیاسی. خواننده از این نوشته هزاران برداشت گوناگون می کند. که هیچکدام حقیقت ندارد. نه هدف ما برقراری سانترالیسم دمکراتیک در شورا است و نه نظرها کارگر هیت اجرایی. همه اینها تنها انشا نویسی و تلاش برای پر کردن بیانیه از لغاتی است که هر یک تنها می تواند توهم را باشد.

موضع انتقادی دیگر روابط عمومی سازمان از راه کارگر هیت اجرایی اینگونه فرمول بندی شده است: **"این رفقا معتقدند که ما نباید بشکل کلیشه ای از تاکتیک تحریم استفاده کنیم، بلکه باید ببینیم تحت شرایط موجود چه تغییراتی پیش می آید و آنگاه تعیین تاکتیک کنیم. ما از این رفقا مجدداً درخواست می کنیم که به ما بگویند کدام سناریوی احتمالی در چارچوب جمهوری اسلامی قابل تصور است که می تواند موجب تغییر تاکتیک تحریم شود؟ آن سناریو را لطف کرده برای این جمع بازگو نمایند"**. فکر می کنم اول خود رفقای روابط عمومی ما لطف کنند و بگویند که از چه هنگام نظر خود آنها در این رابطه تغییر کرده است و قرار شده سازمان ما "کلیشه ای" سیاست تحریم انتخابات در ایران را بپذیرد؟ با اتکا به کدام سند سازمانی این مطالب را در بیانیه خود می نویسند و به سازمانهای دیگر به عنوان تحلیل سیاسی ما می دهند و بعد حتی اینگونه نظرات خود را علناً بجای مواضع سازمان منتشر می کنند؟ آیا این تحریف مواضع سیاسی سازمان ما در روز روشن نیست؟ اگر نیست اسمش چیست؟ کسی که از سوی سازمانی برای پیشبرد امری به کار گرفته می شود بایستی مدافع سیاست های اعلام شده آن سازمان باشد و اگر آن اهداف را قبول ندارد این وظیفه را بر عهده نگیرد و استعفا دهد. کجا ما قرار گذاشته ایم که "کلیشه ای" تحریم انتخابات در ایران و برای آینده نامعلوم حتی در زمان جمهوری اسلامی را بپذیریم؟ کدام آدم عاقل بی جهت دست و پای خود را می بندد. قرار است به چه کسی و گروهی این قول واهی را دهیم؟ کجا قرار شده که امر تاکتیکی تحریم انتخابات برای ما یک امر استراتژیک تلقی شود و از جناح دیگر سازمان که با ما در یک سازمان بودند و با هم این سیاست را مدون کرده و و پیش برده ایم امروز طلبکارانه و بدون هیچ مسئولیت سیاسی سوال و انتقاد کنیم؟ من یکبار بخشا در نوشته ای تحت عنوان **"شعار تحریم انتخابات و رفتارهای ناهنجار"** به این امر پرداختم و نمی خواهم مفصلاً اینجا در این باره بحث کنم. اما ذکر مطلب زیر ضروری است.

از 8 سال پیش که در سازمان ما انشعاب روی داده ما سیاست پذیرش "کلیشه" ای انتخابات ایران را نداشته و آنرا تصویب نکرده ایم و سیاست ما همان سیاست پیش از انشعاب سازمان است. امروز سیاست ما تحریم فعال انتخابات است. چو فردا برآید فکر فردا کنیم. هیچ عقل سلیمی پذیرش "کلیشه ای" سیاست تحریم هیچ امری برای آینده نامعلوم را نمی پذیرد. اول یک سوزن به خود بزنید و موضع متفاوت خود در رابطه با پذیرش "کلیشه" ای تحریم انتخابات را در سازمان به رای بگذارید و بعداً با اتکا به چنین سندی سازمانی به دیگران جوالدوز بزنید. ما (پیش از انشعاب) از اولین سازمان های سیاسی ایران بودیم که <<نه>> بزرگ مردم را شنیدیم و توضیح دادیم چرا ما سیاستمان امروز تحریم است و چرا حق مردم (نه حقانیت رای به صندوق انداخته شده) در شرکت در انتخابات را برسمیت می شناسیم. ما بارها و بارها تکرار کرده ایم که علیرغم پیشبرد سیاست تحریم فعال انتخابات در ایران ما این امر را یک موضوع استراتژیک نمی بینیم. اگر روابط عمومی سازمان بدنبال تغییر سیاست سازمان ما در این رابطه است اینرا بایستی اول در داخل سازمان مطرح کند. سیاست مطروحه در رابطه با تحریم "کلیشه ای" انتخابات در ایران موضع سیاسی سازمان ما نیست. ما هیچ چیز را کلیشه ای و برای آینده ای نامعلوم قبول نمی کنیم و کلاً امر تحریم انتخابات در ایران برای ما یک امر استراتژیک

نیست. این امر از فردای انتخابات 2 خرداد 76 در سازمان ما روشن شده است. اگر کسی شکی دارد طرحی برای مخالفت با آن برای تصویب به کمیته مرکزی و یا کنگره پیشنهاد دهد.

به هر حال ادامه این بحث در این رابطه زمانی سودمند است که روابط عمومی سازمان به کمیته مرکزی مراجعه کرده و بپرسد نظر آنها و اعضای سازمان در باره قبول یا رد کلیشه ای "تحریم انتخابات" چیست. تا امروز نظر هر دو جناح راه کارگر در این امر فرقی با هم ندارد. البته روشن است که نظر اکثریت اعضای روابط عمومی سازمان با نظر ما فرق دارد و به جریانات سیاسی خارج از راه کارگر نزدیک تر است. جریاناتی که همیشه در این مورد از سازمان ما انتقاد کرده و می کنند و سیاست تحریم انتخابات را به سیاست تحریم رای دهندگان هم تعمیم می دهند. گمان نمی کنم نیازی به ذکر مثال برای اینگونه برخوردها باشد. اگر لازم باشد می توانم در نوشته های بعدی روشنتر در این رابطه بنویسم.

مسئله دیگر که متحیر کننده، سوال برانگیز و بسیار خارق العاده به نظر می رسد تحلیل منتشر شده توسط روابط عمومی سازمان در مورد امریکای پس از ترامپ است. روابط عمومی نوشته است: **"علیرغم تغییرات در کاخ سفید و آمدن ترامپ، و تشدید فشارها به رژیم اسلامی برای عقب نشینی های بیشتر و تغییر در سیاست خاورمیانه اش، سیاست کلی تغییر اساسی نکرده است"**

نمی دانم اسم این گونه جهانبینی را که با واقعیت موجود هیچ سر سازگاری ندارد را چه می شود گذارد. شاید بهترین اسم ندیدن و نشناختن جهان باشد. این جملات در میانه ماه مه نگاشته شده اند. یعنی 5 ماه پس از به قدرت رسیدن ترامپ و 8 ماه پس از روشن شدن مواضع او در قبال خاورمیانه که خلاصه اش ایجاد ناتوی عربی بر علیه ایران. افزایش قوای نظامی در افغانستان و عراق و سوریه و حمایت از طرح فراندوم استقلال کردستان عراق و تغییر رژیم سیاسی در ایران و اعلام حمایت مالی و امکانات برای نیروهای مخالف ایرانی و دوست امریکاست و در حالی است که ما شاهد رفت و آمدهای سلطنت طلبان و مریم رجوی و جمعی از جمله گروه های کرد و آذری به واشنگتن و دیدار با نمایندگان کنگره و سنای امریکا برای جلب حمایت سیاسی و مالی بوده و هستیم. حتی عربستان اعلام کرده از حق ملل ایران برای تعیین سرنوشت و از آن جمله آذربایجان دفاع می کند... آیا واقعا سیاست کلی امریکا در خاورمیانه تغییر نکرده است؟ حال اگر تنش بین اعراب و تشکیل بلوک عربی بر علیه ایران را هم به آن بیفزاییم شاهد تغییر فعال سیاست امریکا در خاورمیانه هستیم و امروز دیگر وزارت خارجه امریکا بجای <<برجام>> علنا صحبت از <<رژیم چنج>> می کند. اما خوب روابط عمومی سازمان ما فکر می کند که این ها همه انشالله گریه است و به قصد محکومیت سازمان راه کارگر هیئت اجرایی در قبال حزب دمکرات کردستان حاضر است دنیا را هم وارانه نشان دهد. اینگونه حرکات و تحلیل های سیاسی بی پایه و غیر واقعی تنها و تنها از جدیت سازمان ما می کاهد. اول اینکه سازمان ما در رابطه با چگونگی برخورد با حزب دمکرات کردستان موضع رسمی اعلام نکرده که بشود با تکیه بر آن جناح هیئت اجرایی را زیر علامت سوال برد. البته خوب این نظر خود رفقای روابط عمومی سازمان است و ربطی به سیاست سازمان ندارد. تا زمانی که سندی در این مورد در کمیته مرکزی و یا کنگره تصویب نشده باشد ما در این رابطه موضع رسمی نداریم. دوم اینکه پذیرش و یا رد مشی مسلحانه از سوی حزب دمکرات و کومه و ... هیچ تاثیری در حقیقت وجودی سیاست "رژیم چنج" امریکا ندارد. سیاست "رژیم چنج" امریکا جدی است و موضع ترامپ و ژنرال های پیرامون او بسیار با مواضع امریکای زمان اوباما فرق دارد.... در این رابطه چلنج واقعی این است که چه موضعی دارد. با کتمان صورت مسئله نمی توان مسئله را حل کرد. البته پرداختن به این مسئله هم بایستی توسط ارگانهای ذی صلاح سازمان صورت گیرد.

همانگونه که در آغاز این متن نوشتم بهتر است روابط عمومی سازمان اقدام به تحلیل سیاسی ایران و جهان و در ارتباط با سازمانهای سیاسی ایران نکند و نامه ها و گزارشات خود را به کمیته مرکزی بسپارد و اجازه دهد هدایت سیاسی سازمان توسط ارگان منتخب سازمان یعنی کمیته مرکزی قرار گیرد تا قابل نقد و تعقل باشد.

به نظر من اینکه وظیفه تماس با سازمانهای سیاسی ایرانی به عهده روابط عمومی سازمان قرار داده شده به معنای آزادی عمل این ارگان در تحلیل سیاسی، تعیین سیاست و ترجمه سیاست تحریم انتخاباتی سازمان ما. تائید یا رد مواضع و شیوه مبارزه این یا آن حزب سیاسی و ... نیست. نقش روابط عمومی تنها و تنها تماس با نیروهای بیرون سازمان و اطلاع رسانی در چارچوب مصوبات سازمان است و مصوبات سازمان یا امضا کمیته مرکزی را دارند یا در کنگره به تصویب

رسیده اند. اگر سندی هم به تائید کمیته مرکزی رسیده باشد باید امضا کمیته مرکزی را داشته باشد. ما سند شفاهی یا مصوبه شفاهی در این یا آن اتاق اینترنتی نداریم. مصوبات سیاسی باید شفاف و علنی باشند.

و یک بار دیگر تکرار می کنم که سیاست روابط عمومی سازمان ما در قبال سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) به هیچوجه سازنده نیست و کماکان این سازمان نزدیکترین سازمان سیاسی به ما به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک است و من عملاً تفاوتی در سیاست سازمان ما با آنها نمی بینم و ایجاد تنش ها به بهانه این اعلامیه و یا آن عمل سیاسی یا به بهانه برخورد یک نماینده سیاسی آنها را دلیل قانع کننده ای برای ایجاد یک بلوای سیاسی جدید نمی دانم. به نظر من نوشته بالا نشان داده است که نمایندگان سازمان ما هم در قبال راه کارگر هیئت اجرایی برخورد اصولی و درست سیاسی نداشته اند. اگر نتوانیم با رفقای خود در جناح دیگر راه کارگر که دهه ها مشترکاً فعالیت کرده ایم و هیچگونه اختلاف سیاسی-ایدئولوژیک نداریم دوباره نزدیک و اتحاد کنیم این نشانه عدم آمادگی بلوغ سیاسی ما و صد البته از هر دو سو است.

در شرایط حاد سیاسی امروز که سیاست رژیم پنج امریکا و اتحاد عربی در حال شکل گیری است و درگیری های داخلی رژیم رو به اوج است و بلوکی از سلطنت طلبان با بخشی از سکولار لیبرالها از یک سو و از سوی دیگر سازمان مجاهدین در حال شکل گیری است. ایراد اتهامات بیهوده به نزدیک ترین سازمان به ما به هیچوجه مفید نیست. ما نیاز به اتحاد چپ داریم آیا رفتارهایی از قبیل آنچه روابط عمومی سازمان انجام می دهد کمکی به این هدف می کند؟

آیا قرار است برای پروسه سیاست گذاری در سازمان تن به یک روال قانونی دهیم که در آن از حرف و حدیث و تفسیر خبری نباشد؟ بیاییم به روند و روال تعیین سیاست سازمانی رسمیت بخشیم.

تنها آرزوهای خوب برای یک سازماندهی دمکراتیک یک سازمان و حزب سیاسی کافی نیستند. همه باید تن به پذیرش سازماندهی تشکیلاتی دهیم و اجازه دهیم ارگانهای منتخب سازمانی نقش هدایت سیاسی سازمان را بر عهده گیرند تا در صورت خطا بتوان از آنها انتظار پاسخگویی داشت. اگر کمیته مرکزی به کمیسیون روابط عمومی وظیفه تماس با نیروهای سیاسی را داده بهتر است مصوباتی نه شفاهی که کتبی ارائه دهد. مصوباتی که نتوان از آنها برداشت های متفاوت داشت. این مصوبات طبعاً باید با امضا کمیته مرکزی یا کنگره باشند تا بتوانند پایه ای برای تعیین سیاست روابط عمومی ما تلقی گردند.

حمید موسوی پوراصل

5 جولای 2017